

رزقنا الله الرحوم اليها ونسأله الاعاده \* فصل \*

اما توسل واستشفاع بحضرت سید رسول واستغاثه واستمداد  
 بجاه و جناب او صلی الله علیه وآله وسلم فعل انبیا و مرسلین و  
 سیرت سلف و خلف صالحین است چه پیش از آن وقت که روح  
 پاکش لباس جسمانیت پوشید و چه بعد از آن وقت هم در  
 حیات نبویه و هم در عالم برزخ و هم در عرصه قیامت که انبیای  
 مرسل را مجال نطق و تابد مژدن نباشد وی صلی الله علیه  
 وآله وسلم فتح باب شفاعت کند اولین و آخرین را مستغرق  
 ببحار نعمت و مشمول انوار رحمت گرداند و در استمداد از  
 جناب رسالت صلی الله علیه و سلم درین هر چهار موطن اخبار  
 و اثار برورد پیوسته اما اول آنکه توسل با و مست پیش از نشاء  
 انسانیت و دایره خلقت از جمله احادیث و اخبار که در آن  
 وارد شد این حدیث است از عمر بن الخطاب رضی الله عنه  
 که علمای حدیث تصحیح آن کرده اند که چون از آدم صلی الله  
 علیه السلام آن خطیه سر برزد از برای اعذار و توبه آن گفت \*  
 یا رب اسألك بحق محمد ان تغفر لی \* از درگاه مجیب الدعوات  
 فرمان آمد چگونه شناختی تو محمد را صلی الله علیه و آله وسلم  
 و هنوز جوهر روحانیتش را در صف جسمانیت نه در آورده ام  
 گفت خداوند اتومید انی روزیکه مرا بید قدرت خود ید ا  
 کردی و نفتح راه علوی در قالب بشریت من نمودی سر برداشتم  
 بر قوائم عرش نوشته در بزم \* لا اله الا الله محمد رسول الله \*

ازان روز شناختم که وی ترا بنده ایست که محبوب ترین خلق  
است نزد تو و مقرب ترین حضرت تو صلی الله علیه و آله و سلم  
فرمان آمد چون تو او را در رکاه من وسیله مغفرت آوردی  
گناه ترا بخشیدم با ادم اگر محمد نمی بود ترا پیدا نمی کردم و در  
بعضی روایات آمده که کلماتی که ادم صغی از رکاه عزت نقلی  
نموده و سبب توبه و مغفرت او گشته چنانچه منطوق آیه کریمه  
\* فتلقى آدم من ربه كلمات فتاب علیه \* است ابن بود که \* الهی  
بحرمت محمد و آله اغفر لی \* سبکی گوید که چون توسل با اعمال  
صالحه با وجود آنکه فعل انسان است و بقصور نقصان موصوف  
جائز باشد و در رکاه رحمت مقبول و مستجاب گردد تشفع به  
پیغمبر خدا که محب و محبوب اوست بطریق اولی بود \* شعر \*  
یا اکرم الرسل مالی من الوزبه \* سواک عند حلول الحارث  
العمم \* و اما ثانی که توسل بجناب اوست در دنیا مدت  
حیات وی صلی الله علیه و آله و سلم بیشتر است از آنکه در حصر آید  
در خیر است که مردی ضریر البصر پیش آن حضرت آمد و عرضه  
نمود یا رسول الله دعا کن تا خدا اینعالی عافیت نصیب من  
گرداند فرمود اگر بصارت خواهی دعا کنم تا چشم تو بینا گردد  
و اگر آخرت خواهی صبر کن که آن بهتر است برای تو گفت  
دعا کن \* یا رسول الله \* فرمود تا وضو کنی و این بر خواند  
\* اللهم انی اسألك و اتوجه الیک بنبیک محمد نبی الرحمة یا محمد  
انی توجت بک الی ربی فی حاجتی هذه لتقضى لی اللهم شفعه

فی ترمذی گفته است هذا حدیث حسن صحیح غریب و بیہقی  
 نیز تصحیح آن کرد و باز یادداشت این عبارت در آخر این حدیث  
 کہ **فقام وقد ابصرونی روایة ففعل الرجل فبراً** و اخبار در  
 باب توسل و استمداد از باب حاجات بجناب سید کائنات  
 صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم مثل سعت رزق و حصول اولاد و نزول  
 مطر و رخای عیش و امثال آن بسیار است اما ثالث کہ توجہ  
 و استمداد و توسل بدوست بعد از وفات دروی نیز اثار ورود  
 یافتہ طبرانی در معجم کبیر از عثمان بن حنیف روایت می آرد  
 کہ مردی بود کہ اورا نزد عثمان بن عفان حاجتی بود کہ روا  
 نمی شد و عثمان بن عفان رضی اللہ عنہ اصلاً بحال او نظر  
 التفات نمی گذاشت آن مرد حال خود را بعثمان بن حنیف  
 برد و صورت علاج آن باز جست گفت ہتوضاء و ووضو کن و  
 بمسجد در آورد و رکعت نماز بگذازد و بگو **اللہم انی اسألك**  
**و اتوجہ الیک نبینا محمد صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم نبی الرحمة یا**  
**محمد انی اتوجہ بک الی ربی لتقضی حاجتی** بعد از آن حاجت خود را  
 عرضہ کن آن مرد برفت و بدل آنچه وی فرمودہ بود عمل کرد  
 بعد از آن برد عثمان بن عفان آمد در بیان پیش آمد و دست  
 اورا بگرفت و برو عثمان در آورد و وی اورا بفراش خاصہ خود  
 بنشانند و حاجت پرسید ہرچہ حاجت او بود روا کرد و گفت  
 بعد از بن ہر حاجتی کہ ترا باشد بگو تا روا کنم آن مرد خوشحال  
 از پیش عثمان رضی اللہ عنہ برآمد و نزد عثمان بن حنیف

رفت و گفت جزاک الله خیرا مگر تو چیزی بعثمان در باب  
 قضای حاجت من گفتی که اینچنین ساخت و پیش ازین اصلا بمال  
 من التفات نمیگردد گفت و الله من هیچ با روی نه گفتم بجز  
 آنکه رسول خدا را دیدم بودم صلی الله علیه و آله وسلم که ضریبی  
 پیش روی آمد و دعا خواست تا چشم او بینا گردد و تمام آن  
 حدیث سابق را سوز نمود پس بر آن قیاس نمودم که تو مسل  
 بوی صلی الله علیه و آله وسلم موجب قضای حاجت و سبب نجاح  
 مرام است و قاضی عیاض مالکی رحمه الله علیه در کتاب شفا  
 می آورد که در میان ابو جعفر خلیفه و امام مالک در مسجد  
 رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم مناظره افتاد شاید که  
 ابو جعفر در اثنای سخن آواز خود بلند کرد مالک گفت یا  
 امیرالمؤمنین در مسجد پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله وسلم  
 چرا آواز بلند میکنی و حق تعالی در کتاب خود قومی را ادب  
 مینماید و میگوید ﴿ لا ترفعوا اصواتکم فوق صوت النبی الایة ﴾  
 و قومی دیگر را مدح میکند و میفرماید ﴿ الذین یغضون  
 اصواتهم عند رسول الله اولئک الذین امتحن الله قلوبهم  
 للفقوی ﴾ بدانکه حرمت پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله وسلم  
 بعد از موت مثل حرمت اوست در حیات خلیفه را بگفته و اثر  
 رقیبی آن پس آمد و در خضوع و اسبکانت افزود و گفت یا ابا  
 عبد الله در وقت دعا توجه بقبله کنم یا روی بر رسول آرم گفت  
 چرا روی از پیغمبر گردانی روی وسیله تست و وسیله پند و

تست آدم صغی الله نزد خدا عزوجل استقبال ده پیغمبر  
کن و طلب شفاعت از وی کن تا شفیع تو گردد و در باب اداب  
زیارت استجباب استقبال بد آن حضرت و توسل بد و در عادر  
حضرت وی و رعایت غایت ادب و نهایت خضوع من کور گردد  
انشاء الله تعالی و در ذکر قبر فاطمه بنت اسد ام علی بن ابیطالب  
من کور شد که آن حضرت در قبر وی در آمد و گفت ✽ بحق  
نبیک و الانبیاء الذین من قبلی ✽ و درین حدیث دلیل است  
بر توسل در هر دو و حالت نسبت بآن حضرت صلی الله علیه و آله  
و سلام در حالت حیات و نسبت بانبیاء علیهم السلام بعد از  
وفات و چون توسل بانبیای دیگر صلوات الله علیهم اجمعین  
بعد از وفات جایز باشد بسید انبیاء علیه افضل الصلوات و اکملها  
بطریق اولی جایز باشد بلکه اگر باین حدیث توسل با ولیای  
خدا نیز بعد از وفات ایشان قیاس کنند و در نسبت مگر آنکه  
دلیلی بر تخصیص حضرات رسول صلوات الرحمن علیهم اجمعین  
قائم شود و ابن الدلیل والله اعلم و ابن ابی شیبہ بسند صحیح  
آورد و است که در زمان عمر رضی الله عنه قحطی افتاد شخصی  
بقبر شریف نبوی آمد و گفت یا رسول الله ✽ استسق لا منک  
فانهم قد هلکوا ✽ آن حضرت در خواب او آمد و فرمود درود  
بعصو بشارت ده که باران خواهد شد و ابن نوع توسل طلب  
دعاست از آن حضرت از پروردگار خود تا این حاجت مقضی  
گردد چنانچه در حالت حیات بود همچنانکه مضمون عبارت

\* یا محمد انی توجهت بک الی ربی فی حاجتی لتقضی لی \* شعر  
 است بل ان فافهم و ابن جوزی روایت کرده است که در وقتی  
 اهل مدینه را قحطی شد یک رسید شکایت بعایشه صل یقه  
 بردند رضی الله عنہا فرمود بقبر شریف رسول الله صلی الله  
 علیه و آله وسلم بیایند و در بچه از وی بجانب آسمان بکشایند  
 تا میان قبر وی و آسمان حایلی نباشد آنچنان کردند که وی  
 اشارت فرمود باران بسیار شد و امر وی رضی الله عنہا  
 بکشادن در بچه رمزی واضح است بآنکه موجب فتح باب مطلوب  
 دعا و سوال آن حضرت است صلی الله علیه و آله وسلم از درگاه  
 رب العالمین جل جلاله و از بن قبیل است سوال سایل از حضرت  
 وی که گفت \* اسالک مرافقک فی الجنة \* یعنی سوال میکنم  
 از حضرت تو که از پروردگار خود درخواست کنی و شفاعت  
 فرمائی تا مرا به سعادت مرافقت تو در جنت مشرف گرداند  
 اما رابع که توسل بسرور انبیاست صلی الله علیه و آله وسلم در  
 عرصات قیامت بوسیله شفاعت احادیث درین باب متواتر  
 است و اجماع علماء بر آن منعقل و در باب توسل بصالحین  
 باعتبار علاقه که ایشان راست بجناب سید المرسلین صلی الله  
 علیه و آله وسلم نیز اخبار و آثار آمده چنانچه قصه استسقای عمرو  
 بعباس رضی الله عنہما با ثواب آن میکنند و خبر صحیح از انس  
 بن مالک آمده است که چون قحط میشد و امساک باران روی  
 می نمود عمرو رضی الله عنہ را استسقا توسل بعباس میکرد عم

رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم ورضي الله عنه واهله  
 خلد او نند اچون پيش از بن قحط سال ميشد توسل به پيغمبر  
 تو ميکرديم تو آب ميغريستادي اکنون توسل بعم پيغمبر تو  
 ميکنم صلى الله عليه وآله وسلم پس بفرست براي ما آب و در  
 روايتي از ابن عباس آمد که عمر رضي الله عنه گفت خلد او نند ا  
 ما استسقا ميکنم بعم پيغمبر تو و استشفاع مينمايم به پيري  
 وي و عباس در داي خود گفت خلد او نند اين قوم توجه بمن  
 آورده اند از جهت نسبتي که مرا به پيغمبر تست خلد او نند امر ا  
 نزد ايشان شرمناک مکن و در بنمعنى گفته است عباس بن عتبه  
 بن ابي لهب \* بيت \* بعضى سقى الله الحجاز و اهله \* عشية  
 يستسقى بشيبه عمر \* و در نيل مطالب و فوز غايب که نزد  
 استغاثه و طلب از مرقد منور سروران نبيا صلى الله عليه وآله وسلم  
 محتاجان و مسکينان را روى نموده است اخبار و آثار بسيار  
 آمد و محمد بن المنکدر گويد مردى پيش از من هشاد و يزار  
 و ديعت نهاد و بجهاد رفت و اذن داد که اگر ترا حاجت افتد  
 از بنا خراج کن پندم نزد احتياج آن را خرج کرد چون آن  
 مرد باز آمد مبلغى که نهاد بود طلب کرد پند و راداي آن  
 در ماند و باوي گفت که فردا پيا تا جواب تو گويم اسن نگفت و  
 شب در مسجد شريف نبوى صلى الله عليه وآله وسلم ببتوتت  
 کرد و زماني در حضور شريف و گاهي پيش منبر استغاثه نمود  
 و فرياد کرد ناگاه در تار بکی شب مردى پيداشد و صرغ هشاد

دینار بدست روی داد با آمداد مبلغ را بان مرد بداد و از رحمت  
 مطالبه خلاص یافت و امام ابو بکر بن مقری گوید که من و  
 طبرانی را ابو الشیخ هر سه در حرم شریف مصطفوی بودیم و جوع  
 بر ما غلبه کرده بود و روزی در بهمین حال گذشته چون وقت  
 عشاء رسید بجزو قبر شریف رفتیم و گفتم یا رسول الله  
 الجوع همین کلمه گفتم و برگشتم و من و ابو الشیخ بخواب  
 رفتیم و طبرانی نشسته انظار چیزی می برد ناگاه یکمرد  
 علوی آمد و در نزد و با روی د و غلام بدست هر کدام  
 و نیلی و روی چیز کثیر از طعام و تمر و جز آن بنشست و با ما  
 بخورد و آنچه باقی ماند هم پیش ما بگذاشت و گفتم ای قوم  
 مگر شما شکایت پیش رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم کردید  
 همین ساعت آن حضرت را در خواب دیدم که مرا فرمود تا  
 چیزی بر شما حاضر آوردم و ابن الجلامی گوید که بدینه  
 رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم در آمدم و بکن و فاقه بر من  
 گذاشته بود بقبر شریف ابستادم و گفتم ✽ انا ضیفک یا رسول  
 الله ✽ و بخواب رفتیم بیغمبر خدا را دیدم صلی الله علیه و آله و سلم  
 رغیفی بدست من داد نصفی را هم در خواب خوردم چون  
 بیدار شدم نصف دیگر در دست من باقی بود و ابو بکر اقطع  
 گوید بدینه در آمدیم و آنجروز بر من گذشت که طعام نچشیدم  
 روز ششم بقبر شریف رفتیم و گفتم ✽ انا ضیفک یا رسول الله ✽  
 بعد ازان در خواب می بینم که سرور انبیایم آید و ابو بکر به



یمن و عمرو بر شمال و طی بن ابیطالب در پیمس طی رضی الله  
 عنه مرا میگوید بر خیز که پیغمبر آمد رفتم و نوسه در میان دو  
 چشم او دادم و غیظی بمن داد خوردم چون بیدار شدم هنوز  
 پاره از روی دردست من بود و حمل من عهد صوفی گوید که سه  
 ماه در باده گشته بودم و پوست بدن من همه طریقه بدنینه  
 آمدم و بز آن سرور و صاحبیه سلام کردم صلی الله علیه و آله و سلم  
 و رضی الله عنهما و بخواب رفتم آن حضرت را در خواب دیدم  
 که میفرماید حمل آمدی چه حال داری گفتم \* انا جاییع و انا  
 فی ضیافتک یا رسول الله \* فرمود دست بکشا کشادم در راهم  
 چند دردست من نهاد بیدار شدم در راهم دردست من بود  
 بیازار رفتم و فطیر و فالوده خریدم و خوردم و ببادیه در شدم  
 و امثال این حکایت بسیار است و اکثران از مشایخ صوفیه  
 آمدند که محرمان اسرار و مقربان درگاه حضرت رسالت پناه  
 اند صلی الله علیه و آله و سلم و رضی الله عنهم و اکثر در آنچه  
 باکل و ضیافت تعلق دارد یا بنفیس نفیس خود متکفل آن شد  
 یا یکی از اهل بیت کرام امر فرمود و بیه بیکانه نفرستاد چنانچه  
 مقتضی کرم است \* بیت \* اگر خیر بت و نیا و عقبی ارزو  
 داری \* بد رگاهش بیا و هر چه میخواهی تمنا کن \* بیت \*  
 حاشا ان یحرم الراجی مکرمه \* اویرجع الجار منه غیر محترم  
 \* صلی الله علیه و آله و سلم \* تتمیم \* مقرر است که از بن موطن  
 اربعه که توصل و استمل او بعضرت سهیل العباد صلی الله علیه

و آله و سلم در آنها واقع است و موطن اولی که توصل بروح  
 مقلد من اوست پیش از بس خلعت جسمانیست مخصوص  
 بجناب اوست و هیچ یکی از انبیا و اولیا را درین منقبت عظمی  
 با وی مشارکینی و مساهمتتی نیست و عدم ورود نص در غیر آن  
 حضرت درین باب کافی است اما توصل بجناب وی در نشاء  
 هیات دنیوی ظاهر است که از خصایص آنحضرت صلی الله  
 علیه و آله و سلم نیست بلکه بعضی تابعان او را که بشرف  
 متابعت و نسبت قربت او مشرف اند چنانچه آل و اصحاب  
 و دیگر اولیای امت و ضوان الله علیهم اجمعین نیز ثابت  
 است و ثبوت کرامت و تصرف ایشان در مکنونات که مانع  
 فیه فردی از افراد اوست در اثبات مطلب کافی است و از توصل  
 عمر بن الخطاب از عباس بن عبدالمطلب رضی الله عنهما در  
 قضیه استسقا نیز بظهور می پیوندد و هیچکس را از علما در  
 وی خلائی معلوم و متحقق نیست و کذا لک توصل و استمداد  
 بوسیله شفاعت و در آخرت انبیا و اولیا و صالحین است را نیز  
 جایز است چنانچه در کتب عقاید ذکر یافته اما تبرک و توصل  
 در عالم برزخ و موطن قبور را اختصاص او باحضرات قدسی  
 سمات انبیا و رسال صلوات الله علیهم اجمعین نرود است و  
 ظاهر جواز اوست در غیر ایشان از اولیاء الله و صالحی امت و الله  
 اعلم از جهت عموم جواز توصل در حالت حیات با ضمیمه بقای  
 روح میت و شعور و ادراک و قرب و منزلت او عند الله که بایمان

و عمل صالح و شرف اتباع سید رسل حاصل شد و با آنکه حقیقت  
 معنی توسل را استمداد سوال و دعاست از جناب صمدیت  
 بواسطت محبتی و گرمی که با این بندگ خاص دارد یا غلبه و  
 التماس از روحانیت این بندگ دعا و خواهش را از حضرت  
 عزت بواسیله قربتی و کرامتی که مراد راست در آن درگاه و  
 ورود نص صریح در روی حاجت نیست از جهت وجود بقای  
 ذات متوسل به بخلاف موطن اول بلکه عدم ورود نص بر منع  
 آن کافیست نعم اگر دلیل قاطع بر اختصاص آن بحضرت انبیا  
 صلوات الله و سلامه علیهم اقامت یابد منع آن درست آید و  
 الظاهر عدم الدلیل المذکور اگر گویند موت بر ایمان و حصول  
 قرب الهی در غیر شخص معصوم معلوم و متیقن نیست گوئیم بقای  
 آن در آنهاست که مبشراند از آن خصوصاً و عموماً مقطوع به  
 است ❀ فیجوز التوسل بهم ولا قایل بالفصل ❀ با آنکه ورود  
 آثار و نقل اخبار از مشایخ کبار که از باب کشف و محرمان  
 امور عالم مثال اند حاسم ماده این شبهه است نعم بعضی از  
 فقها را درین مسئله خلاف گونه است و لکن ❀ الحق احق ان  
 يتبع والله اعلم ❀

### ❀ باب شانزدهم ❀

❀ در ادب زیارت فیض بشارت حضرت ❀

❀ خیر الانام و اقامت منینة مطیبه سید ❀

❀ الکرام و رجوع بوطن بالخیر والسلام ❀

چون فصل زیارت سفری مخصوص است لاجرم اداب متعلقه بدان بعضی از آن متعلق خواهد بود بمطابق سفر از استخاره و تجلید توبه و رد مظالم وارضای ارباب حقوق و نغفۀ عیال و تهیأ زاد و طلب رفیق و تودیع اخوان و اتیان ادعیه که در وقت خروج و رکوب و نزول مسنون و ماثور است و سایر اداب که درابتداء سفر و وسط طریق تا وصول مقصد و رجوع بوطن مستحب و مسنون است و جمله آنرا در کتاب آداب الصالحین که ترجمه ربیع کتاب احیاء العلوم است مذکور ساخته ایم از آن جهت بر ذکر آنچه مخصوص باین سفر مبارک اثر باشد اقتصار کرده آمد و از جمله اداب که آنچه رعایت آن اهم و اقدم است اخلاص نیت و صدق طویرت است که مدار جمیع افعال و اعمال برین است \* فمن کانت هجرته الی الله ورسوله فهجرته الی الله ورسوله الحدیث \* و نیت در زیارت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم تقرب الی الله است عزوجل و کمال تقرب و توسل اعلا و اکمل خواهد بود از وصول بحضرت حبیب رب العالمین و سین المرسلین صلی الله علیه و آله و سلم \* من یطع الرسول فقد اطاع الله و ان الذین ینایعونک انما ینایعون الله \* و مستحب است که با وجود زیارت سرور کائنات حضور مسجد شریف را نیز مقصود و ملحوظ دارد چنانکه این صلاح و نوروی رحمة الله تعالی علیهما تصریح بدان کرده اند زیرا که در شدن و حال بسوی این مسجد شریف و نمازگزاریدن

در روی احادیث کثیره و زود یافته و شیخ الحنفیه کمال الدین  
 الهمام نیز از مشایخ خود اینچنین نقل کرده ولیکن بعد از آن  
 می گویند که اولی تجرید نیت است از برای زیارت و بعد از  
 قل و مملینه و حصول زیارت نیت مسجد علیحدگی کند یاد سفر  
 دیگر نیت هورد و بجای آورد چه درین صورت تعظیم و اجلال شان  
 زیارت بیشتر است و اوفق بقول و بی صلی الله علیه و آله و سلم  
 ✽ لا تعلمه حاجة الا زیارتی ✽ و حق آنست که مشارکت قصد  
 تبرک بمسجد شریف منافی اخلاص نیت زیارت آن حضرت  
 نیست چه قصد مسجد و تبرک بدان و نماز و عبادت آن امتثالاً  
 لا مره صلی الله علیه و آله و سلم عین ملاحظه و مشاهدت نسبت  
 شریف اوست و از قبیل حاجتی که اعمال آن محل در یافت  
 سعادت و شفاعت بود نیست هنر ظاهر بلکه از متممات و  
 مکملات زیارت است آنکه نیت اعتدالی مسجد شریف آنقدر که  
 ممکن باشد بکند اگر چه بکساعت بود و به تعلیم و تعلم خیر و  
 ذکر الهی و اکثر صلوة و سلام بر آن حضرت و ختم قرآن مشغول  
 باشد و چون پیش از وصول به مملینه مطیبه قصد نیست آن  
 کند بن شبهه حزای نیت و ثواب آن در نایل و از آن جمله آن  
 ست که در سلوک این طریق عظیم دایم الاشواق و کثیر الاشتیاق  
 بود بزیرت حبیب شفیع و وصول بدان جناب منیع رفیع و مشاهدت  
 لقای سعادت النقای آن حضرت و اسنغراق در دای صمیمت و بی  
 فرحان بی مالی و نشیطی کمال طیب النفس دایم البیضور

مستغرق الارقات حسن الاخلاق وافر الخيرات ملازم الادب  
 كثير الطاعات غالب الروحانية ظاهر النورانية و با شوق و با  
 ذوق و فرح و سرور و ذكرو حضور و وضاعت و نور تا متهمي  
 انعكاس انوار محمدي و قبول اسرار احدی گردد ❁ بيت ❁  
 اورا بچشم پاک توان دید چون هلال ❁ هر ديك جای منظر آن  
 ماه پاره نیست ❁ مصرع ❁ پاک شواول و پس ديك ماه پاره  
 پاک اند از ❁ و از ان جمله آنست که در طریق در اکثر احوال  
 بل سایر اوقات غیر ادای فرایض و قضای ضروریات بصلوة و سلام  
 بر حضرت سید انام علیه افضل الصلوة و السلام بنعت شوق و  
 حضور و طهارت و لطافت رطب اللسان و طیب الجنان بود با  
 رعایت شرایط اداب که در خاتمة کتاب مسطور گردد زیرا که  
 اقرب طرق و اقوی و سائل درین باب همین است و البته  
 قریباً بعید اشتهور و منتج رویای جمال آن حضرت صلی الله  
 علیه و آله و سلم گردد انشاء الله تعالی ذوالفضل العظیم خصوصاً  
 در اوقات مرجوه و حالات متبارکه مثل وقت سحر بعد از نماز  
 خصوصاً نزد قرب هالینه منوره و اما کن مقل سه در خبر است  
 که حق سبحانه و تعالی طایفه از ملائکه را خلق فرموده که  
 تحف صلوة که یکی از قاصدان زیارت بحضرت نبوت ارسال  
 مینمایند میبهرند و میگویند که فلان بن فلان زیارت شریف  
 می آید و این تحفه را تقدیم مینماید و کلام سعادت فوق آنکه  
 نام روی و نام پد روی در حضور مجلس پر نور سید المریدین

مل کور گردد و از آن جمله آنست که زیارت مساجد نبویه و تتبع  
 آثار مجده که در اثنای طریق واقع اند و در بیان مساجد  
 ماثوره مل کور شدن لازم وقت داند و از آن جمله آنست چون  
 قریب بحرم شریف طیبه مطیبه برسد و مشاهد اعلام و رباع و  
 آکام آن کند استحضار و ضایف خضوع و خشوع و تجدید ادب  
 تضرع و حضور نماید و بحصول هنا و بلوغ منامستبشر گردد  
 \* بیت \* و اعظم ما یکون الشوق یوما \* اذ انت الخيام من الخيام  
 \* بیت \* و عدو وصل چون شود نزدیک \* آتش شوق تیزتر  
 گردد \* در خبر است که چون قاصد زیارت قریب ملینه  
 منوره میرسد ملائکه با هدایای رحمت با استقبال اومی آیند  
 و انواع بشارت سعادت سمات شامل احوال اومی گردانند  
 و اطباق انوار حضور و سرور و نثار وقت وی میکنند \* بیت \*  
 هر دم از دل سروری تازه سر بر میزند \* غالباً روز وصال یار  
 نزدیک آید که \* و باید که بعد از مجاورت منزل منیف  
 چنان تصور کند که گویا در باوگاه سلطان عالم در آید و مشاهد  
 اعلام و جبال و باعثه شوق و عظمتی که از باطن منبعث است  
 صورت حالتی عظیم گردد و عمل در رینباب حفظ قلب و خشوع  
 باطن است با حفظ جوارح از معاصی و آثام و استعمال لسان  
 در صلوة بر میل انام و تفکر در ملا حظة عظمت و ابهت مقام نه  
 مجرد تعلقه لسان و از آنز عاج اعضاء و رفع اصوات که در اب عوام  
 است ولیکن اگر کمال مراقبه نصیب وی نباشد خضوع ظاهری

با سعی در طریق تشبیه و تمایز از دست ندهد که وی نیز بعد  
 از وجود استقامت و دوام البته مورث آن حالت یا قریب بدان  
 میگردد و انشاء الله تعالی چنانچه گفته است \* شعر \* یا صاحبی  
 هل العقیق فقفا به \* متوالها ان كنت لست بواله \* و از انجمله  
 آنست که چون بجبل مفرح برسد معبود آن نکند و بالای آن  
 بر نیاید اگر بل اندک که در بر آمدن او مردم در توهم سنیت  
 یا وجوب این فعل می افتند یا موجب تازی نفس یا ایلاء  
 غیر میگردد و اما اگر ازین لوازم و عوارض خالی باشد و دانند که  
 موجب از یاد شوق و صبابة و زیارت تعظیم و مهابة به شاهک جمال  
 جان افزای طابه میگردد منع آن را وجهی نیست بلکه آنچه موافق  
 قواید و مقتضای دلایل است استحباب و استحسان است و اطلاق قول  
 بآنکه بر آمدن برین جبل از جهت مشاهده مل یتنه بل عت غیر حسنه  
 است بغایت مستهجن و مستشنع و از تحقیق بمعزل و از انصاف  
 بمراحل است از جهت آنکه شهود اطلال حبیب که موجب از یاد  
 شوق حضرات بقریب و معاینه اعلام و مساکن که مجد و بواعث  
 و محرک سواکن است وسیله امر محبوب است \* و للوسایل  
 حکم مقاصد ها \* بیت \* قرب الد یار یزید شوق الواله \*  
 لا سیما ان لاح نور جماله \* او بشر الحادی بان لاح النقا \*  
 و بدت علی بعد رؤس جماله \* فهناک عیل الصبر من ذی  
 صبره \* و بدت الذی بخفیة من احواله \* بیت \* چنین که رقص  
 کنان گرم میورد همچون \* مگر زرد و رنگا هس بحمل افتاده



است ❀ و چگونه از مشناتی که بشوق لقای حبیب و مشاهد  
 جمال وی قطع منازل و طی مفاوز نمود ❀ بسر حد قرب و منزل  
 وصول رسید ❀ باشد و پیش از وصول مشهد وصال مشاهده  
 ارباع و اطلال امکان داشته صبر و تحمل صورت بند ❀ بیت ❀  
 دل که عاشق صابر بود مگر سنگ است ❀ ز عشق تا بصوری  
 هزار فرسنگ است ❀ و کرا اعنما را است بر عمر شایدل که پیش از  
 وصول بساحت حرم شریف پیک اجل در رسد ❀ بیت ❀ باینکه  
 کعبه نمایان شود ز پامنشین ❀ که نیم گام جدائی هزار فرسنگ  
 است ❀ باری از مشاهده وی و نظر بروی معروم نماید و چون  
 بمسجد ذوالحلیفه برسد که بقرب ایبار علی است فرود آید و  
 دو رکعت نماز بگلد آورد بشرطی که بر نفس و مال آیین باشد و این  
 ملی که ایبار بوی منسوت است نام شخصی است که در زمان  
 سابق بود و کمان نبرد که مراد علی مرتضی است رضی الله عنه  
 و همچنین وادی فاطمه که در قرب مکه است نه فاطمه زهرا  
 است رضی الله عنهما و از آن جمله آنست که چون مدینه و  
 منابر و اقباب آن نمایان شود بیاعثه اجلال و تعظیمی که از باطن  
 سر برزند فرود آید و خود را از مرکب بر زمین افگند و اگر تواند  
 تا مسجد شریف پیاده رود ❀ بیت ❀ هدی اقباب و هدی  
 یثرب ❀ ابشر فقد حصل الهنا و المطلب ❀ ابشر فقد حصل  
 النواصل و انقضی ❀ زمن الجفا و الوقت وقت طیب ❀ و الريح  
 قد اهدت لنا من طيبه ❀ عرفا کنشر المسک بل هو اطيب ❀

واخضع عن ارك في المحبة واغتنم \* عيش الرضا ودع العواذل  
 يغضب \* ومن برم العشاق غنى باسمه \* اطرب فلا عد لمن  
 لا يطرب \* فشمائل الغمر المحجب قد بدت \* جهر او نور جماله  
 لا يحجب \* وادخل بحجرة احمد فبابه \* يا وي لفقير ويستجير  
 الملك نب \* در خبر آمده است که چون نظروند عبد القیس بر  
 جمال آنسرور افتاد پیش از آنکه با خود را بر زمین زدند  
 آن حضرت صلی الله علیه وآله وسلم ایشان را از آن منع نفرمود  
 \* بیت \* واذ المطاي بنا بلغن محمدا \* فظهورهن علی الرجال  
 حرام \* بیت \* کو طاقتم آنم که باین جاذبه شوق \* رخسار  
 ترا بینم و بی تاب نگردم \* واز آن جمله آنست که چون بحرم  
 شریف آمدینه مشرف گردد بعد از سلام بر سید انام این دعا  
 بخواند \* اللهم هذا حرم رسولک فاجعله لی وقایة من النار ومانا  
 من العذاب و سوء الحساب اللهم افتح لی ابواب رحمتک  
 وارزقنی فی زیارة نبیک ما رزقته اولیائک واهل طاعتک و اغفر لی  
 وارحمنی باخیر مسؤل \* و عمک درین باب استغراق ظاهر  
 و باطن است بصلوة و سلام حضرت سید الانام و تصور عظمت  
 و جلالت آن مقام و از لوازم این وقت است فرح و سرور بفضل  
 و کرم ملک عالم و شغل باطن بشکرگشایی مشاهدت این مقامات  
 شریفه و قباب منیفة \* بیت \* حبل اروز سعادت مر حبا یوم  
 الوصال \* باغ من کل میکنند امروز بعد از چند سال \* واز آن  
 جمله این است که برای در آمدن طیبه غسل تمام بر آورد و

مسواک کند و جامه نظیف بپوشد و اگر سفید بود بهتر باشد که محبوب ترین ثياب پيش آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم جامه های سفید بود و جمال حال خود را بحلیه حلم و وقار بیاراید و از لباس احرام چنانچه بعضی جهله عوام کنند اجتناب نماید زیرا که آن از خصوصیات مکه مکرمه و از خواص حج و عمره است و باستحضار معانی عظمت و کبریا و استغراق مراقبه و حضور و تصور عظم شان آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم که باعث خضوع و خشرع ظاهر و باطن است درین بلك معظمه در آید و بداند که این مکانی است که پروردگار جهان برای حبیب و صفی خود که سید المرسلین و رحمت للعالمین است اختیار کرده و معظم فتوحات و برکات که در عالم و عالمیان شایع و ظاهر است منبع و منشاء آنها این محل است \* بیت \*

هر گل و سبزه که در باغ نمود یاد دارد \* اخراي بار صبا این همه آورد \* تست \* و از تصور آنکه این زمینی است که پی سپر اقدام شریف خیر انام شک غافل نشود لا جرم در ریح قدم و رفع آن بنعت هیبت و سکینت که صفت لازمه حضرت سید کائنات بود صلی الله علیه و آله و سلم موصوف باشد و بداند که جناب او حضرت عظیمه ایست که ادنی انتهاک حرمت و اسأت ادب مثل رفع صوت و مانند آن موجب حبط اعمال و تنزل احوال میگردد \* فید خل شا کر النعم الله و مستغفر الل نوبه مشاهد امراقبار اعیام صلیا مسلمانا کرا غیر غافل واجدا

غیر فاقد واثقا بفضل الله ورسوله \* بیت \* طاببت بطیبک  
 یثرب وثرها \* من اجل ذلک طیبه سماها \* فصلا و ان وجود  
 عبیر عنبر عطرها \* و علا علی الافاق طیب شد اها \* وزهت  
 لوامع نوره مع نورها \* وهبت ریاض قبا یها و قباها \* انا  
 و فرود ک یا ختام الانبیا \* جئنا بفاقتنا و انت غناها \* جئنا  
 الیک بضاعة قد ازجت \* فاقبل بضاعتنا و لا تخفهاها \* و از ان  
 جمله آن است که نزد در آمدن باب البلد گوید \* بسم الله  
 ما شاء الله لا قوة الا بالله رب ادخانی مدخل صدق و اخرجنی  
 مخرج صدق و اجعل لی من لدنک سلطانا نصیرا حسبی الله  
 امننت بالله توکلت علی الله لا حول و لا قوة الا بالله اللهم انی اسألك  
 بحق السائلین علیک بحق ممشائی هذا الیک فانی لم اخرج بطرا  
 و لا اشرا و لا ریاء و لا سمعة اخرجت اتقاء سخطک و ابتغاء مرضاتک  
 اسألك ان تبعدنی من النار و ان تغفر لی ذنوبی انه لا یغفر الذنوب  
 الا انت \* و این دعاء در وقت رفتن بمسجد در هر وقت مستحب  
 است و در حدیث ابوسعید خدری آمده است که هر که این دعا  
 را در طریق مسجد بخواند هفتاد هزار ملک را بر وی موکل  
 کنند تا اسنخفار کنند مر او را و اقبال کنند بر وی رب العزت  
 جل جلاله بوجه عزیز خود و از ان جمله آنست که پیش از دخول  
 مسجد شریف تقلیم صدقه کند و در صدق را سلام هر که قص  
 مناجات حضرت سید انام میگرد بر وی واجب بود که چیزی  
 صدقه میگرد بعد از ان بلامت حضرت می آمد چنانچه آیه

کربنه ❀ از اناجیتهم الرسل ذل مرابین تک یی اجد، بکام سدا، فقه ❀  
 بر آن دال است گریستن اول کسی که علی بن ابی طالب را در میان  
 علی بود کرم الله وجهه و بعد از آن که در وقت آن منسوخ شد  
 استحب که صحت از نه طایق صدقه است بحال، نور باقی  
 ماند و زیارت آن حضرت، بعد از وصات حکم و الا زمت آورد  
 در حالت حیات صلی الله علیه و آله و سلم و از آن جمله آنست که  
 در آملین مسجد شریف بقصر ردا و تاهت وقت سب از بیاضی ابله  
 علیه و آله و سلم بر همه چیز زمزمه کار بستند آمد و به هیچ کار نیکن  
 و عقید نشود مگر آنکه ضروری آورد و از آن مووجب شدن بناظر  
 و تفرقه باطن آورد چون در آن از تصور عظمت و ابهت مکان  
 و ملاحظه شرف و عزت آن عالمشان غافل نباشد و دل اند که  
 این مکان منبسط و منبسط و منزل رحمت و مقام نزت است و این  
 مسجد خانم انبیه است و مقام سبب الرسلین و حبیب رف انسا بین  
 صلی الله علیه و آله و سلم و علی آله و اهل بیت و اجد و اولاد  
 و اهل بیت و اقباء اجد عین و از آن جمله آنست که نزد آمدن  
 مسجد شریف آنک و قذیه کند گوید که طلب اذن هیچند در  
 دخول و بعضی از علما گفته اند که این اصل اول است و الله اعلم  
 و در وقت در آمدن اول پای راست نهادن و این دعا بخواند که  
 در دخول هر مسجد مستحب است: اعوذ بالله العظیم و  
 بوجهه الکریم و بنوره القدیم من الشیطان الرجیم بسم الله و  
 لا حول و لا قوة الا بالله ماشاء الله لا قوة الا بالله اللهم علی

سیدنا محمد بن عبد کرم و رسولک و علی و آلک و صحبک به و سلم تسلیما کثیرا  
 اللهم اغفر لی ذنوبی و افرغ لی ابواب رحمتک اللهم و فقی و  
 اعنی علی کل ما یرزقک و صبر علی بحسن الادب السلام علیک  
 ایها النبی و رحمة الله و برکاته السلام علینا و علی عباد الله  
 الصالحین **ثُمَّ** این دعا را وقت در آمدن و بر آمدن مسجد  
 قریک نکن و لیکن در وقت بر آمدن گوید و افتح لی ابواب  
 فضک بهای رحمتک را فل انچه درین باب کفایت کند این  
 کلمات است **اعوذ بالله بسم الله الرحمن الرحیم** اللهم السلام علی رسول الله  
 السلام علیک ایها النبی و رحمة الله و برکاته **ثُمَّ** در حال بیست امه  
 است **ثُمَّ** اذ داخل احدکم المسجد فسلم علی النبی صلی الله  
 علیه و آله و سلم **ثُمَّ** و یا ایاک و دخول اردن مسجد شریف در غایت  
 خضوع و خشوع و سکینه و رقا و هیهبت و تعظیم این بقعه شریفه  
 و غرض بصر از زیست مسجد و مانند آن و کف جوارح از عیث  
 و منع خوار از شواعلی و قیام به کمال ادب حضرت بر حسب جهاد  
 و طاقت و مایه حظه عظمت میانی و مشاهدت سطوت احمدی  
 و اعتقاد حضور و حیات آن حضرت و رویت و استماع او  
 صلی الله علیه و آله و سلم احوال و اصوات را بود و اگر کسی  
 پیش آید که تعبیه و سلام بر وی باید کرد تا تواند اغماض و  
 احترام کند و اگر ضرورت افتد از وقت ضرورت تجاوز نکند و  
 بیاطن مشغول آن نگردد و از آن جمله آنست که چون داخل  
 مسجد شود برفش و نهایت احترام کند هر چند که مدت است

قلیل بود چه آن بلد هب بعض علما صحیح است و از برای احرار  
 فضیلت و ثواب کافی است و رعایت این ادب را در دخول جمیع  
 مساجد از دست ندهند و به تساهل در آن راضی نشود که اگر چه  
 این عمل بسیار است و لیکن اثر عظیم دارد پس در روضه  
 شریفه در آیین و بهصلای آن حضرت که الآن مسجد اب ساخته اند  
 اندکی در جانب یمن آن دو رکعت نماز به نیت تحیة المسجد  
 بگنارد و در قراءت آن تطویل نکند بعد از فاتحه هم بقرات  
 قل یا ایها الکافرون و سوره اخلاص اکنفا نماز و اگر در مصلاهی  
 شریف جای نیابد قریب آن موضع بگنارد بر قد را مکان و اگر  
 برای نماز فرض تکبیر بر آورده باشند یا خوف فوت آن بود  
 بتحیة المسجد مقید نگردد که هم بصلوة فرض غرض حاصل است  
 و بعد از تحیة المسجد و نظیفه حمد و شکر باری تعالی بجا آورد که  
 بدین نعمت مشرف گردید و حصول مزیت نعمت رضا و توفیق  
 و وصول مأمول دارین و سعادت تکوین مسالت نماید و یقین  
 داند که این درگاه هیست که هیچ طالب صادق و فقیر سایل از وی  
 مردود و نا امید باز نگردد **بیت** **حاشا** شاه آن بحرم الراجی  
 مکرمه **او یوجع الپارمنه غیر محترم** **و کما قال واحد من**  
**الاکابر رضی الله عنه** **نظم** **علی یا بک العالی مددنا**  
**ین الرجی** **ومن جاء من الباب لا یخشى الرد** **سلام علی**  
**انوار طلعتک التی** **اعیش بها شکر او افنی بها وجل** **لعلک**  
**آن تهطف علینا بنظرة** **تری ما اسر الوجل فینا و ما ابد**

وانت ملاذ العبد يا غاية المنى ❀ ويا سيد اقل ساد من جاء  
 عبد ❀ وانت ارادتي وانت وسيلتي ❀ فيا حبل انت الوسيطة  
 والقصد ❀ علماء را در استحبابات ثقل یم تحية المسجد بر زیارت  
 خلا فی است بعضی از ما لکيه ثقل یم زیارت را بر تحية المسجد  
 نیز تجویز کرده اند و بعضی گفته اند که اگر مرور را در قبالة  
 وجه شریف اقل ثقل یم زیارت مستحب بود و پیش اکثر علما  
 ثقل یم تحية المسجد مطلقا مستحب است جا بر رضی الله عنه  
 و روایت میکنند که وقتی از سفری قلم آورده بودم در ملازمت  
 آن حضرت رسیدم پرسید در مسجد در آمدن و نماز کند آرد  
 گفتم لا یا رسول الله فرمود برورد در مسجد در آی و نماز کن بعد  
 ازان بیا و بر من سلام کن و خلاف در غیر سلامی است که از  
 اداب دخول مسجد است زیرا که آن مقدم است بر تحية  
 المسجد بالاتفاق چنانکه گذشت و در جواز سجده شکر پیش از  
 رکعتین تحية المسجد یا بعد ازان نیز اختلاف است نزد شافعیه  
 اگر نعمتی تازه غیر نعم متوالیه دایمه متجدد گردد جایز است  
 و از علمای حنفیه نیز روایات در جواز آن هست و از فعل آن  
 حضرت صلی الله علیه و آله وسلم نیز منقول شده است و الله اعلم

❀ فصل ❀ بعد از آنکه تحية المسجد بگن آرد متوجه  
 زیارت گردد و بغیر شریف روی آرد و از درگاه عزت جل جلاله  
 استمداد و استعانت جوید در رعایت ادب در بنام منیف  
 و موقوف شریف که بی اعانت و امید الهی قیام درین مقام



قلیل بود چه آن بند شب بعضی علما صحیح است و از برای احراز  
 فضیلت و ثواب کافی است و رعایت این ادب را در دخول جمیع  
 مساجد از دست ندهد و به تساهل در آن راضی نشود که اگر چه  
 این عمل بسیر است ولیکن اثر عظیم دارد پس در روضه  
 شریفه در آید و بمصلای آن حضرت که الآن محراب ساخته اند  
 اندکی در جانب یمن آن دو رکعت نماز به نیت تحیة المسجد  
 بگذارد و در قراءت آن تطویل نکند بعد از فاتحه هم بقراءت  
 قل یا ایها الکافرون و سوره اخلاص اکتفا نماید و اگر در مصلاهی  
 شریف جایز باشد قریب آن موضع بگذارد بر قل را مکان و اگر  
 برای نماز فرض تکبیر بر آورده باشند یا خوف فوت آن بود  
 بتحیة المسجد مقید نگردد که هم بصلوة فرض غرض حاصل است  
 و بعد از تحیة المسجد وظیفه حمد و شکر باری تعالی بجا آرد که  
 ین ین نعمت مشرف گردید و حصول مزیت نعمت رضا و توفیق  
 و وصول مأمول را ربن و سعادت کونین مسالت نماید و یقین  
 داند که این درگاه هیست که هیچ طالب همدارقی و فقیر سایل از وی  
 مردود و نا امید باز نگردد \* بیت \* حاشا ان یحرم الراجی  
 مکارمه \* او یرجع الجار منه غیر محترم \* و کما قال واحد من  
 الاکابر رضی الله عنه \* نظم \* علی بابک العالی مدد ت  
 ین الرجی \* و من جاء هن الباب لا یخشی الرد \* سلام علی  
 انوار طلعتک التی \* اعیش بها شکر او افنی بها وجد \* لعلک  
 ان تعطف علینا بنظرة \* تری ما اسر الوجد فینا و ما ابد \*